

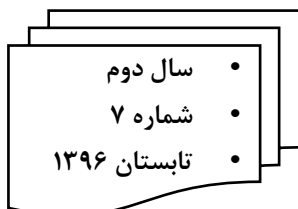
## واکاوی آرایه های ادبی در اشعار مَظْلُوم خُنْجِی

مهرداد روشن زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

تاج الدین محمود خُنْجِی ، یکی از شاعران مشهور در ادب پارسی است . اگر وی را ، در شمار یکی از شاعران بلند - آوازه ی ادب پارسی به شمار آورده اند اغراق ننموده ایم . مسلماً ، شهرت وی به واسطه ی غزلیات زیبا و در عین حال با سوز و گداز اوست . با تأمل در اشعار او در می یابیم که باریک اندیشی ها ، تصویر آفرینی و به ویژه جلوه های زیبا شناختی دانش بدیع چشم گیر و قابل مطالعه است . تصویر آفرینی های خاص استاد مَظْلُوم ، و کاربرد آرایه های لفظی و بدیع وی - که بسامد قابل تأملی را در برخی آرایه ها نشان می دهد - قابل اهمیت است . به نحوی که ، شاعر از ظرایف و دقایق ادبی به نحو احسن استفاده نموده است . بر این اساس نگارنده ، با بررسی نمونه هایی از شواهد شعری و مصادیق مُستخرج از دیوان در محور موضوع ، تحقیق و کاربردی نمودن اشعار مَدّ نظر قرار گرفته است .

**کلید واژگان :** مَظْلُوم خُنْجِی ، بدیع لفظی ، بدیع معنوی ، سیر شعر



## ۱. مقدمه

این جستار بر آن است، آن گروه از آرایه های ادبی در دیوان تاج الدین محمود خُنْجی که بسیار پُر کاربرد هستند مورد واکاوی و بررسی شود. با مطالعه اشعار وی، در می یابیم آرایه های ادبی، در آثار و افکار شاعر نقش بارزی دارد. با وجود اهمیت بسیار کلام مَظْلُوم خُنْجی، هنوز تحقیق مستقل و جامعی در این خصوص انجام نشده است. مطلب دیگری که مؤید نوآوری این پژوهش است، در کیفیت تطبیق مضامین موسیقی درونی و معنوی با شعر مَظْلُوم، أخذ و استخراج آنهاست؛ در این مقاله نگارنده چگونگی تأثیر پذیری از آرایه های ادبی را با استناد به ستاره ی ادبیات پارسی، «مَظْلُوم خُنْجی» تبیین می نماید. هم چنین، سعی در تفهیم اسرار مو قفیت این شاعر، گران سنگ در الهام از موسیقی درونی<sup>۱</sup> و موسیقی معنوی<sup>۲</sup> مورد واکاوی قرار دهند.

## ۲. بیان مسئله

مَظْلُوم خُنْجی، نیز با بهره گیری از موسیقی درونی و معنوی به تصویر زیبایی شاعرانه و مضامین حکمی پرداخته است. دریا فت دقایق حکمی آرایه های ادبی، نیازمند نظریه های با توانش تاویلی کافی است. مسأله تحقیق حاضر نمونه ای از تأثیر موسیقی درونی و معنوی در ادبیات فارسی است و این مسأله قابل تحلیل به دو عمده مسئله است.

۱. اهداف و زمینه های استفاده از آرایه های ادبی در شعر مَظْلُوم خُنْجی چیست؟

۲. شیوه و گونه های تأثیر پذیری از موسیقی ها چگونه است؟

روش پاسخ به مسائل یاد شده، تحلیل محتوایی همه ی اشعار تاج الدین محمود خُنْجی و واکاوی آرایه ها در شعر وی است.

## ۳. روش پژوهش

در این تحقیق که به شیوه ی توصیفی و تحلیلی انجام می گیرد؛ ابتدا، آرایه های ادبی موجود در دیوان تاج الدین محمود خُنْجی مشخص شده؛ سپس، این آرایه ها را به لحاظ انواع، اشکال و نیز لفظی و معنوی بودنشان بررسی خواهد شد. و در پایان با مشخص کردن بسامد تجزیه و تحلیل مباحث، نتیجه ارائه می گردد.

## ۴. پیشینه پژوهش

با اینکه تاج الدین محمود معروف به مَظْلُوم خُنْجی، شاعر بزرگ و ارزشمندی است؛ اما، در زمان ما کمتر تحقیق اساسی درباره ی شعر او انجام شده است. شاید اولین مشکل یا فتن دیوان وی باشد. دیوان مَظْلُوم خُنْجی، به تصحیح زهرا خوشابی زاده و زهرا مستمندی در سال ۱۳۸۲ در هزار نسخه به چاپ رسیده و بعد از آن دیگر تجدید چاپ نشده و بسیار کمیاب است؛ و هیچ گزیده ارزشمندی هم از این کتاب در بازار موجود نمی باشد. بنابراین، لازم است تحقیقاتی در دیوان این شاعر بزرگ صورت پذیرد؛ شاید، در زمینه پژوهش های بعدی راهگشا باشد.

در دیوان این شاعر بزرگ ، نکات بدیع و بکری نهفته است - که اگر قدری بیشتر به آن پرداخته شود - باب تازه ای در ادبیات و تحقیقات ادبی گشوده است . چنانکه ، پژوهشگران را از رفتن به سمت موضوعات تکراری بی نیاز می کند . اگر چه این شاعر از نامدارترین شاعر زبان و ادبیات فارسی می باشد و تحقیقاتی نیز در مورد اشعار آنان صورت پذیرفته است . اما ، متأسفانه این پژوهش ها بسیار اندک بوده است ؛ و به ویژه در زمینه ی مورد تحقیق در این مقاله ؛ یعنی واکاوی آرایه های ادبی در اشعار مَظْلُوم خُنْجی ، تاکنون تحقیق مستقلی انجام پذیرفته است .

## ۵. اهداف

هدف اصلی از انجام این تحقیق ، واکاوی آرایه های ادبی و شناخت کارکرد های زیبا شناختی در اشعار مَظْلُوم خُنْجی می باشد . از دیگر اهدافی - که در این تحقیق دنبال می شود - می توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱. از آن جا - که مَظْلُوم خُنْجی ، با وجود ارزش ادبی ، اشعارشان چندان مورد التفات قرار نگرفته اند - سوق دادن محققان به سمت کشف جنبه های ادبی اشعار آنان ، از اهداف اصلی این پژوهش می باشد .

۲. تعیین بسامد آرایه های ادبی در دیوان شعر شاعر مورد بحث .

## ۶. بحث

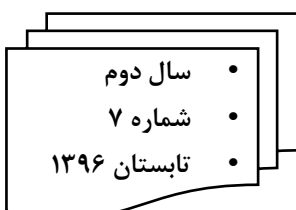
### ۶.۱. زندگی نامه مَظْلُوم خُنْجی

تاج الدین بن جعفر بن زین الدین بن محمود خُنْجی ، متخلص به مَظْلُوم ، در اوایل قرن سیزدهم هجری قمری ، در خانواده ای اهل علم و دین ، در خُنْج لارستان - فارس به دنیا آمد . سال تولدش بر نگارنده معلوم نشد . اگر از برخی روایت های شفاهی بگذریم ؛ نخستین نشانه حیات وی ، تاریخ مرگ فرزند هشت ساله اش ، « جعفر » است ؛ که « مَظْلُوم » در مرثیه ای تاریخ ۱۲۳۸ ه.ق را برای واقعه ذکر کرده است . از این روی می توان حدس زد - که در این زمان او در سنین میان سالی بوده است - و به احتمال قریب به یقین « مَظْلُوم » در اوایل سده ی سیزدهم هجری قمری ، به دنیا آمده است .

باری ، چنانکه پیش از این آمده ، وی ، به خانواده ای اهل علم و دین منتسب است . در مرثیه ای که برای مرگ پدرش ، شیخ جعفر بن زین الدین ابونجمی سروده است . وی ، را چنین معرفی می کند :

شیخ جعفر ، شاب مغفور جوان	ابن زین الدین سرافراز کرام
از ابونجمی بُدش اصل و نسب	هم دَویُّ القدر بود و هم عظام
مسکن مألوف او در خُنْج بود	از مشایخ مرتب و عالی مقام
بُد مزگی طینت و والا تبار	هم دَویُّ الجود و هم ذو الاحترام ( مَظْلُوم ، ۱۳۸۲: ۵)

مَظْلُوم ، عاشقی دلسوخته و عارفی وارسته است . وی ، آئین عشق را در درگاه جانانه آموخته و دفتر زهد و ریا را در آتش این عشق سوخته است .



برو ای زاهد خود بین که اکنون مرا ارشاد از پیر مغان است  
مَظْلُوم ، کتاب ارشاد را در محضر پیر مغان خوانده است ؛ و از این روست - که وجه الله را در هر کسوتی به دیده دل می بیند  
و شراب معنوی را از کف ساقی مینوی می گیرد :

آرزومندم به جامی از شراب معنوی سا قیا برخیز و پر کن دم به دم پیمانم ام  
مست جام باده عشقم تو هشیارم مخوان گر چه از عقل و خرد دورم ، ولی فرزانه ام  
کعبه و دیر و کلیسا و کنشت و سومنات از همه روی تو بینم نه چو آن بیگانه ام (مَظْلُوم، ۱۳۸۲: ۹)

مَظْلُوم ، در بند ظواهر نیست . او را چنان وسعت دیدی است ، که کفر و دین هر دو راه پویان دوست می بیند اما ، اگر خواسته  
باشیم از منظر درون دینی به افکار و عقاید مَظْلُوم بنگریم ؛ او را مسلمان زاده ای شافعی مذهب می یا بیم . چنانکه، در غزلی  
ضمن بیان احوال عشق ، امام شافعی را « مخزن الاسرار » احکام فقهی می داند :

مسائل چندم اندر دل ز رمز عاشقی باشد روید از شافعی پرسید اسرار مسائل ها  
توصیفات مَظْلُوم خُنْجی ، در ستایش پیامبر گرامی اسلام ، فاطمه الزهرا و امامان دوازده گانه شیعه<sup>(۵)</sup> از نمونه -های کم نظیر  
ادبیات دینی است .

تاریخ و فات مَظْلُوم خُنْجی ، نیز مانند تولدش مستند نیست . منابع شفاهی سال ۱۲۷۷ ه.ق را تاریخ فوت او تعیین کرده اند.

## ۶,۲. بدیع لفظی

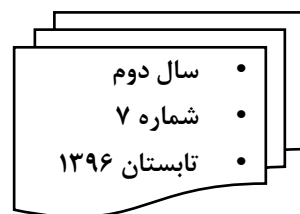
به ابزاری که جنبه لفظی دارند و موسیقی کلام را از طریق روابط آوایی ایجاد ویا افزون می کنند، صنعت لفظی می گویند. « در این شاخه  
هدف این است که متوجه شویم ، گاهی انسجام کلام ادبی بر اثر روابط متعدد آوایی و موسیقایی بین کلمات است، یعنی آن رشته نامرئی  
که کلمات را به هم گره می زند و بافت ادبی را بوجود می آورد، ماهیت آوایی و موسیقایی دارد.» (شمیسا ، ۱۳۶۸: ۱۳)

### ۶,۲,۱. تکرار

یکی از نشانه ها و اصول زیبایی در هنر تکرار است . « تکرار در هنر ، بسیار شایع است ؛ و کمتر اثر هنری را می توان یافت  
، که اجزای نزدیک و دور آن تکرار نشود . » ( غریب ، ۱۳۸۷: ۳۵) به کارگیری اصل تکرار همچون اصول دیگر زیبایی ؛ از جمله  
هماهنگی ، تناسب ، توازن و ... سبب ساماندهی ، وحدت و تأثیر گذاری اثر هنری می شود .

سواد زلف آن مه ، روی چین است به چین سنبلش چین و مچین است ( مَظْلُوم، ۱۳۸۲: ۷۸)

\*\*\*



ای مه سیمین بدن یاران به یاران این کنند دوستان دیدی گهی با دوست داران این کنند (همان : ۱۰۴)

### ۶,۲,۲. واج آرایه

یکی از گونه های موسیقی درونی تکرار و همسانی صامت و مصوت ها است . چنانکه ، در بعضی موارد با ایجاد موسیقی داخلی خاص سبب برجسته سازی ابیات و عبارت ها می شود . همچنین ، به القای پیام و لذت در مخاطب مدد می رساند . این همسانی انواع مختلفی دارد . گاه به طور منظم در صامت ها و مصوت های آغازین کلمات است . گاهی ، به طور پراکنده در صامت ها و مصوت های میانی و پایانی واژه هاست . به تجبّر به تکبر به تختر به فریب به تبسم به تکلم به دو صد ناز آمد (مَظْلُوم ، ۱۳۸۲:۱۰۰)

\*\*\*

جام میم دهید ، دمامد به سر کشم دستم به طوق گردن آن ماهرو کنید (همان : ۱۰۸)

تا

\*\*\*

کی دوری گزینم از درت این تن عریان من بین المغیث (همان : ۸۴)

### ۶,۲,۳. جناس

روش تجنیس یا جناس یا همجنس سازی یکی دیگر از روش هایی است که در سطح کلمات یا جملات ، هماهنگی و موسیقی به وجود می آورد . «روش تجنیس مبتنی بر نزدیکی هر چه بیشتر واک هاست ؛ به طوری که کلمات همجنس به نظر آیند ؛ یا همجنس بودن آن ها به ذهن متبادر شود .» (شمیسا ، ۱۳۶۸:۵۳)

همه از ذوق تو پستند چه اعلا و چه دون همه از شوق تو مستند سما تا به سمک (مَظْلُوم، ۱۳۸۲:۱۹۱)

جناس ناقص اختلا فی (سما - سمک)

از غم سودای زلفش بخت من گشته سیاه چون سواد زلف او هم تار و مار افتاده است (همان : ۵۱)

### ۶,۲,۳,۱. جناس تام

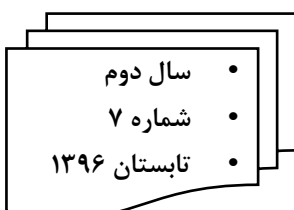
«لفظ (مجموعه ی صامت ها و مصوت ها ) یکی باشد و معنی مختلف ؛ یعنی اتحاد در واک ها و اختلاف در معنی باشد» (شمیسا، ۱۳۶۸:۵۳)

مه مستور بد خویی بت چین چین به گیسویی ز چشم فتنه انگیزش دل من شد گرفتارش (همان : ۱۵۶)

واژه ی چین مصداقی از جناس تام است . چون ، چین اول به معنی اسم مکان و چین دوم به معنی شکن زلف است .

نماز و روزه و حج ، شاخ و برگ ایمان ست سعادت دو جهان در جهان بود اخلاص (همان : ۱۶۶)

واژه ی جهان مصداقی دیگر از جناس تام است ؛ زیرا ، جهان اول به معنی دنیا و آخرت ؛ جهان دوم به معنی دنیا است .



### ۶,۲,۳,۲. جناس ناقص حرکتی

جناس ناقص که آن را جناس مُحرّف می گویند . « آن است ، ارکان جناس در حروف یکی و در حرکت مختلف باشند . »  
(همایی، ۱۳۸۹: ۵۰) به صبح

و شام منادی کند ملک به فلک فتوح گنج جَنان و جِنان بود اخلاص (همان : ۱۶۶)

### ۶,۲,۴. سجع

سجع در اصطلاح آن است - که نویسنده یا گوینده در کلام خود کلماتی آورد - در وزن یا حرف آخر یا هر دو متفق باشند .  
سجع بر سه قسم است : سجع متوازی ، سجع مطرف ، سجع متوازن .

### ۶,۲,۴,۱. سجع متوازی

یکی از مهم ترین، زیباترین و پرکاربردترین نوع سجع است . عبارتند از « کلمات در وزن و حرف رویّ هر دو مطابق باشند» (همایی، ۱۳۸۹: ۴۲) به عبارت دیگر ، «حروف آخر که از آن به «روی» تعبیر می شود و « وزن » . هماهنگی دو عامل وجود داشت « (خرقانی ، ۱۳۹۰: ۳) سجع متوازی نام دارد .  
نیامد خود به بالین

یارم امشب به مردن می رساند کارم امشب  
دوست حال زارم امشب مکن زین بیشتر آزارم امشب ( همان : ۴۳)

### ۶,۲,۴,۲. سجع مطرف

نوعی دیگر از سجع ، سجع مطرف است . آن است « الفاظ در حرف رویّ یکی و در وزن مختلف باشند » (همایی، ۱۳۸۹: ۴۲)  
علت نام گذاری این گونه ی هنری به مطرف این است « ارزش موسیقایی آن ، در کناره ها با حروف پایانی نهفته است. » ( به رقم ، ۱۳۹۳: ۵)

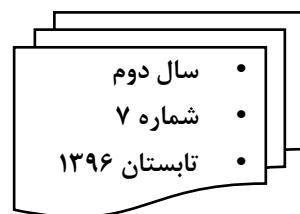
نیامد خود به بالین یارم امشب بشد خون این دل افکارم امشب (مَظْلُوم ، ۱۳۸۲: ۵۰)

### ۶,۳. بدیع معنوی

### ۶,۳,۱. مراعات نظیر

در این روش بین کلمات ، تناسب معانی ایجاد می کنند . صناعی که ژرف ساخت آن ها تناسب معنایی بین اجزا کلام است .  
« آن است - که در سخن اموری را بیاورند- در معنی با یکدیگر متناسب باشند ؛خواه تناسب آن ها ، از جهت همجنس بودن باشد . » (همایی، ۱۳۸۹: ۲۵۷)

شکسته کشتیم در بحر عشقت بی سر و سامان کجا آن زورق معنی که رو بدهد به ساحل ها ( همان : غزل ۱)



\*\*\*

مطرب نوائی ساز کن صوت حُدی آغاز کن در عود و دف آواز کن ، از من بیر آرام را (همان :غزل ۴)

به

\*\*\*

بحر عشق غرقابم اسیر موج طو فانم از این دریای بی پایان نمی بینیم ساحل ها ( همان : غزل ۳)

### ۶,۳,۲. تضاد

نیست کار سرسری در عشق بازی ای عزیز پخته شو بگذار خامی دور کن از سر هوس ( همان : ۱۵۰)

\*\*\*

و اله و حیران شدم از روی مهر آرای تو محو گشتم ، من شدم مجنون و این باشد صریح (همان:۹۱)

\*\*\*

غمگسار همدگر بودیم در شادی و غم خود بده انصاف کین با غمگساران این کنند (همان :۱۰۴)

### ۶,۳,۳. کنایه

در دیوان شعری مَظْلُوم ، کنایه های فراوانی وجود دارد . کنایه ، در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است . « در اصطلاح سخنی است - که دارای دو معنی قریب و بعید باشد - و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند . پس ، گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و بکار برد ، که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد.» ( همایی ، ۱۳۸۹ : ۲۵۵-۲۵۶)

عزم کردن ز پی لعل لبش یک بوسه خال هندویش به یک باره عنان گیرم کرد (همان :۱۲۲)

کنایه از : متوقف کردن

دلا مکن تو ا قامت در این رباط دو در روانه شو چو توئی زین سرا چه ، خود سیاح (مَظْلُوم ، ۱۳۸۲ : ۹۰)

کنایه : دنیا

### ۶,۳,۴. ایهام

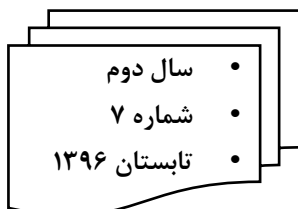
به ستم می کشی از دوست چرا مظلومت هیچت اندیشه از آن نیست که فردایی هست (همان : ۷۴)

مظلوم ۱. ستم دیده ۲. خود شاعر

هر روز و هر شبی دو سه جامی حواله هست (همان : ۷۵)

خرم دل آن کسی که مدام از وصال یار

مدام ۱. همیشه ۲. شراب



## ۶,۳,۵. حسن تعلیل

ز سواد طره زلف چو به مشک چین خبری رسد بشود ز غیرت آن سیاه و ز بوی آن اثری رسد (همان : ۱۱۶)  
مصراع دوم علتی برای مصراع اول است؛ زیرا، سیا هی و خوشبویی است.

## ۷. نتیجه گیری

با بررسی اشعار تاج الدین محمو خُنْجی، در می یابیم - که آرایه های بدیعی (لفظی و معنوی) نقش بسزایی را در ایجاد تصویرها و زیبایی های کلام وی داشته است - و این اشعار به صورت کاربردی می تواند مورد نظر دانشجویان جهت تحقیق و پژوهش در دانش بدیع قرار گیرد.

از میان صنایع به کار رفته در دیوان اشعار دو آرایه مراعات نظیر و جناس از جهت بسامد و زیبایی در صورت و مفهوم قابل تأمل و اهمیت است. ضمن اینکه، صرف نظر از آرایه های نام برده شده آرایه های دیگر به کار رفته در دیوان اشعار به اقتضای ذهن و زبان شاعر، و مقتضیات ایجاد شعر (غزل) نیز قابل بررسی است.

آنچه مسلم است، بر اساس آن چه قید گردید پردازش شاعر به دانش بدیع و زیبا شناسانه لفظی و معنوی نسبت به دانش بیان و برخی عناصر بیانی و معانی در اولویت بوده است. به عبارت دیگر، می توان این مقوله را علوه بر دیدگاه های هنری و زیبا شناختی آن در مباحث سبک شناسی نیز کاوید و بررسی است.

## ۸. پی نوشت

۱. از نظر استاد محمد رضا شفیعی کدکنی در کتاب موسیقی شعر، موسیقی بیرونی شعر وزن عروضی است و موسیقی داخلی (درونی) مجموعه هماهنگی هایی که از طریق وحدت یا تضاد صامت ها و مصوت های کلمات یک شعر پدید می آید و انواع جناس ها یکی از جلوه های آن است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۳۳۲-۳۰۵)
۲. موسیقی معنوی نیز از نظر ایشان همه ارتباط های پنهان عناصر یک مصرع که از رهگذر انواع تضادها و طباقها و تقابلها پدید می آید؛ همچنین، تکرار مایه اصلی - تم - شعر به صورتها - واریاسیون های گوناگون. (همان : ۳۰۵)



## منابع

- به رقم ، نعمت اله ( ۱۳۹۳ ) ، *ویژگی های موسیقایی سجع در نهج البلاغه* ، پژوهشنامه نهج البلاغه ، شماره ۶ .
- خرقانی ، حسن ( ۱۳۹۰ ) ، « *فراهنجار های ادبی در فواصل آیات و تفسیرهای زیباشناسانه و معنا شناسانه آن* » ، مطالعات اسلامی - علوم قرآن حدیث ، شماره ۸۷/۳ ، ص ۱۳۶-۱۰۹ .
- شفیعی کدکنی ، محمد رضا ، ( ۱۳۷۹ ) ، *موسیقی شعر* ، تهران ، آگاه ، چاپ ششم .
- شمیسا ، سیروس ( ۱۳۶۸ ) ، *نگاه تازه به بدیع* ، تهران ، فردوس .
- غریب ، رُز ( ۱۳۷۸ ) ، *نقد بر مبنای زیبا شناسی* ، ترجمه نجمه رجایی ، مشهد ، نشر دانشگاه فردوسی .
- مَظْلُوم خُنْجِی ، تاج الدین محمود ( ۱۳۸۲ ) ، *دیوان مَظْلُوم خُنْجِی* ، ترجمه و تصحیح زهرا خوشابی زاده و زهرا مستمندی ، تهران ، نشر قلم ، چاپ اول .
- همایی ، جلال الدین ( ۱۳۸۹ ) ، *فنون بلاغت و صناعات ادبی* ، تهران ، هُما ، چاپ سی ام .